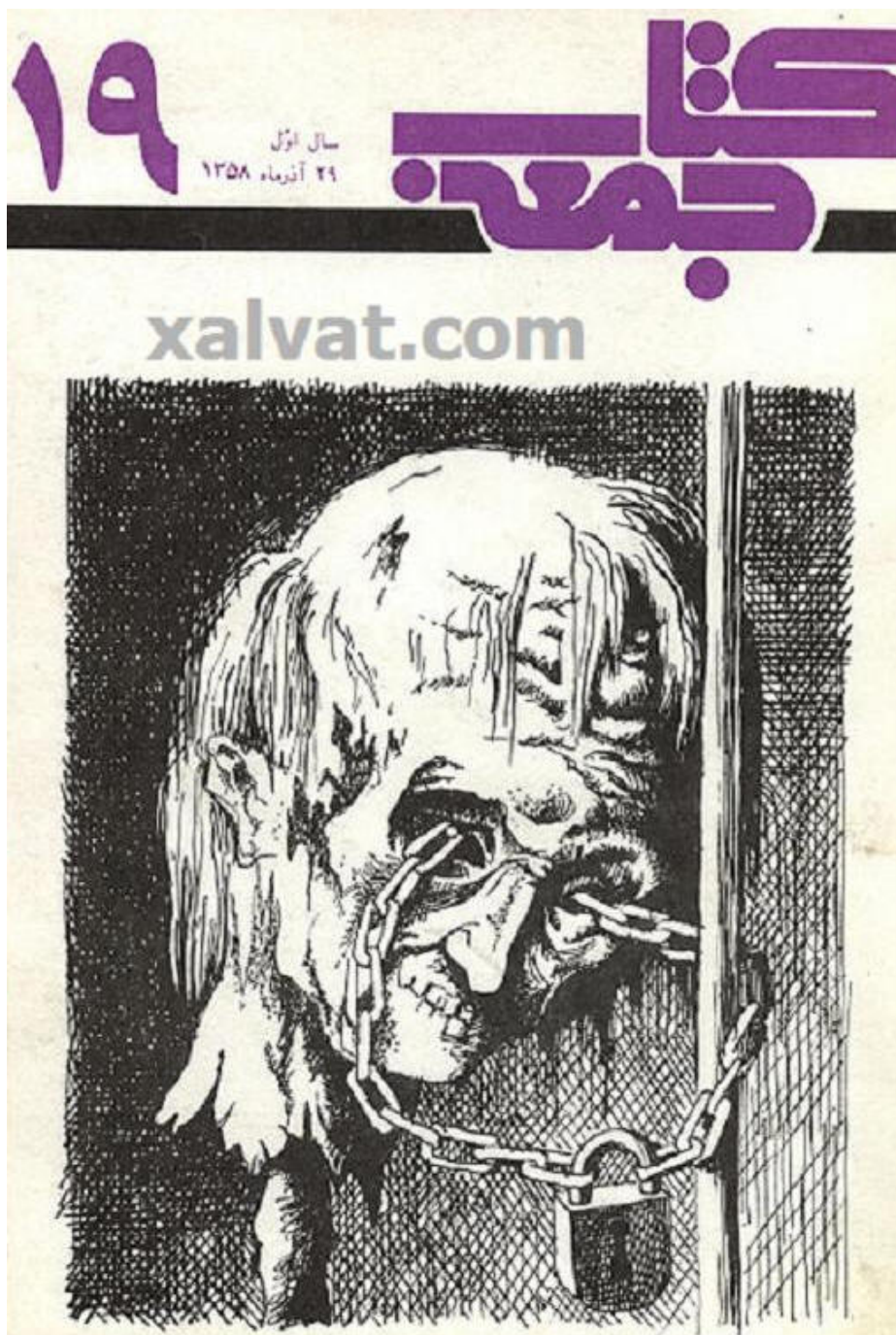


در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوهِ خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)

نشرِ دیگران



ناصر پاکدامن : "در اطاق انتظار اعدامی ها"



طرح روی جلد: گورمه‌ن
در شماره دیگر حرفه‌های درباره او به‌منجمله
مجموعه‌ای از آثارش چاپ خواهد شد.



گفته‌نامه سیاست و هنر

سردبیر: احمد شاملو

با همکاری شورای نویسندگان

نژدین و تنظیم صفحات: ابراهیم حقیقی

مکاتبات با صندوق پستی ۱۵۰۱۱۳۲ (تهران)

مرکز پخش: تلفن ۸۳۸۸۳۲ (تهران)

اشتراک ویژه

با ارائه کارت تحصیلی ۵ شماره

۳۵۰ ریال

xalvat.com

قابل توجه خوانندگان و همکاران

دست به‌کار تنظیم شماره‌های از
کتاب‌جمعه هستیم، به‌ترتیب:
• ویژه فلسطین
• ویژه کودکان (به‌مناسبت سال جهانی کودک)
• ویژه آفریقا
• ویژه آمریکای لاتین.
چنانچه مطالب و اسناد و بررسی‌ها و
تصاویر جالبی در این زمینه‌ها در اختیار
دارید، ما را به‌هرجه برابرتز کردن این
ویژه‌نامه‌ها یاری کنید! زمان دقیق انتشار هر
یک از این ویژه‌نامه‌ها بعداً اعلام خواهد شد.

برای تکمیل پایگانی کتاب‌جمعه، در
زمینه تصاویر شخصیت‌ها و وقایع جهان
سیاست، و علم و هنر به‌یاری شما نیازمندیم.
چنانچه تصاویری در این زمینه‌ها دارید برای
ما بفرستید.

مطالب رسیده به‌هیچ عنوانی قابل
استرداد نیست. شورای دبیران در حکم و
اصلاح مطالب آزاد است.

بهای اشتراک

برای ۵۰ شماره ۴۰۰۰ ریال

برای ۲۵ شماره ۲۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در اروپا ۳۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در آمریکا ۴۰۰۰ ریال

که قبلاً دریافت می‌شود

خوانستاران اشتراک می‌توانند مبلغ لازم را
از نزدیکانترین شعبه هر یک از بانک‌ها به‌حساب
شماره ۴۲۰ بانک سپه (شعبه اتوبانک باشگاه)
واریز کنند و رسید آن‌را به‌منجمله نشانی خود و با
قید این که مجله را از چه شماره‌ای می‌خواهند
به‌نشانی پستی «کتاب‌جمعه» بفرستند.

شماره‌های گذشته هفته‌نامه‌ها می‌توانند از
کتابفروشی‌های مطابقی دانشگاه، تهران تهیه کنند.

بها ۱۰۰ ریال

کتابخانه جمعه

سال اول
۲۹ آذرماه ۱۳۵۸

۱۹

xalvat.com

طرح و عکس

- یکه طرح از توکا نیستانی ۲
- طرحی از سعید مردم‌پخش ۱۱۱

مقالات و مقالات

- آخرین صفحه تبریم ۲
- م. مراد ۲
- کردستان و جمهوری مهاباد (۱) ۲
- کریم کوبرا ۲
- ناصر پهن‌پور ۲
- دیدگاه‌های شولوخوف ۲
- ل. پالستکو ۲
- م. سائیرا ۲
- مگر تعهد در قبال زبان ۲
- احمد شاملو ۲
- مروزی بر قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی ۲
- محمدرضا حسینی کارروزی ۲
- اسرائیلی، صلح آمریکا و اعطای تأییدی منطقه بکین ۲
- حسین النرانی ۲
- علی‌اکبر ترانسی ۲
- لرماتروانی سرمایه و پیدایش دموکراسی (۳) ۲
- کوران نیورن ۲
- آزادی ۲
- نگاهش بدکوره‌پزخانه ۲
- طاهر طاهری ۲
- هربرت مارکوز، استاد آزادی ۲
- میشل بوسکه ۲
- ناصر پالکالی ۲

- مرگ بزرگ ۱۲۳
- چمنید چانگی ۱۲۳
- در اطاق انتظار احساس ما ۱۲۶
- ناصر پاکدامن ۱۲۶
- مراسم تشریف‌هاون و باران‌سازي... (۲) ۱۲۶
- ایهان باشکوز ۱۲۶
- باجلان نوحی ۱۲۶
- از رو به‌رو با شقایق ۱۲۶
- کیومرث منتشیرزاد ۱۲۶
- شطرنج چوآنان ۱۲۶
- ج. ان. وانگر ۱۲۶
- جهانگیر افشاری ۱۲۸

قصه

- قصه عطرهاي عربستان ۲۶
- فرنازعم آریایی ۲۶
- ایرج زمری ۲۶

شعر

- قلب آبی ۲۷
- فاطمه الطاهر ۲۷

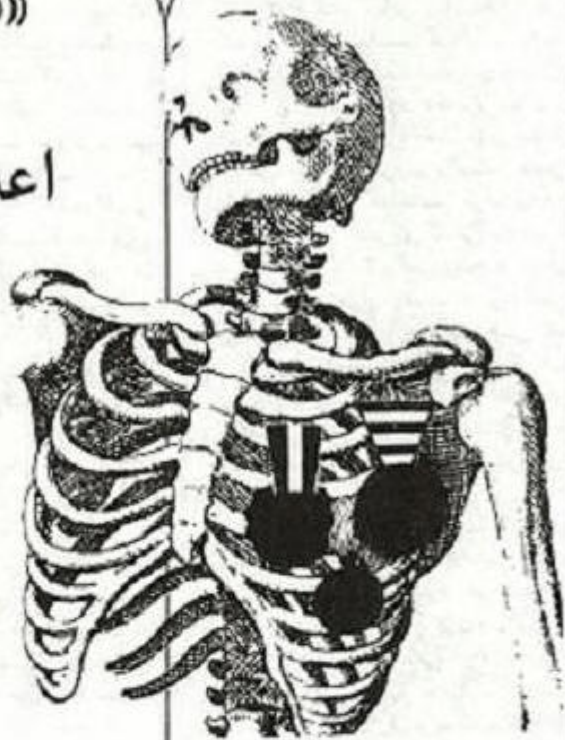
آزمائش‌کنان

- ۱۵۶

باخواننده‌گان

- ۱۵۸

«در اطاق انتظار اعدامی‌ها»



xalvat.com

جعفر پیشه‌وری - یادداشت‌های زندان. تهران، نشر سپان، ۱۳۵۸، رقمی، ۱۵۰ ص.

جعفر پیشه‌وری را همه می‌شناسند. آدمی که زندگی سیاسی و اجتماعی خود را با حزب عدالت آغاز کرد. در پایه‌ریزی نهضت کادگری ایران سهمی داشته. در جنبش جنگل فعال بود. در دوره وضاخان به زندان افتاد. پس از شهریور بیست و یار دیگر به‌صحنه مبارزات سیاسی قدم گذاشت. در وقایع آذربایجان نقش اساسی داشت و با سرکوب آذربایجان، به‌یشت برده آهین رفت و پس از چندی درگذشت. از چگونگی درگذشت او هم مانند درگذشت بسیاری گمان دیگر، خبری در دست نیست.

نام پیشه‌وری همواره برانگیخته بحث و شور و برمسش بوده است. غرض از این مختصر نه پاسخ‌بانی این برمسش‌ها بلکه فقط توجه دادن به یکی از نوشته‌های اوست آنچه امروز با عنوان «یادداشت‌های زندان» انتشار می‌یابد مجموعه مقالاتی است که

پیشه‌وری در روزنامه آزر (سال‌های ۲۰ تا ۲۳) دربارهٔ پازده سال زندان خود نوشته است. در این نوشته، با نویسندگانی بیگانه با تعصب و خشک اندیشی آشنا می‌شویم که با قلمی آکنده از انسان‌دوستی و حساسیت تجربهٔ زندان خود را باز می‌گویند. بیشک این جنبه از شخصیت و سیمای پیشه‌وری است که تا کنون به‌دقت و به‌خوبی شناخته نشده است.

xalvat.com

تا کنون هر بار صحبت از زندانیان سیاسی دوران رضاخانی به‌میان می‌آمد همه کس بی‌درنگ از «پنجاه و سه نفر» بزرگ - علوی یاد می‌کرد. اکنون با انتشار یادداشت‌های زندان پیشه‌وری ما مدرك دیگری به‌دست می‌آوریم که نه تنها از هر لحاظ با آن دیگری قابل قیاس است، از بسیاری جهات نیز بر آن يك برتری دارد. پیشه‌وری را در ششم دیماه ۱۳۰۹ توقیف می‌کنند و پس از يك بازجویی ساده به‌زندان می‌اندازند و سال‌ها بی‌آنکه در دادگاهی مورد محاکمه قرار گیرد و جرمی بر او ثابت شود در زندان نگه می‌دارند. در این یادداشت‌ها، هدف او بازگویی داستان خود نیست، غرض او بازگویی داستان «علم‌انگیزه و حشمت‌ك ولی خواندنی» زندان قصر است. می‌نویسد: «ما در زندان پازده سال تمام دم چك واقع شده بودیم. اغلب بیدادگری‌ها جلو چشم ما اجراء می‌گردید. ما در زندان مرکزی به‌سر می‌پردیم. هرکس از بزرگ و کوچک آنجا می‌آمد، هر اتفاق سونی که در خارج پیش می‌آمد، به‌فوریت اثرش در آنجا پدیدار می‌گشت. اغلب قربانی‌ها را برای تهیه مقدمات آنجا می‌آوردند. در واقع ما در اطاق انتظار اعداسی‌ها منزل کرده بودیم. نصرت‌الدوله، تیمورتاش، فرخسی، یختیاری‌ها، ملائین مازندران، خوانین چاه کوتاهی، اکراد، الوار، دسته‌جات و افراد احزاب سیاسی، همه از جلو ما دنبله داده رد می‌شدند. (ص ۸).

قسمتی از این یادداشت‌ها نخست در روزنامه داد و در قسمت دیگر آن در هفته نامهٔ ناهید و بقیه در روزنامهٔ آزر چاپ شده است. ظاهراً یادداشت‌های چاپ شده در داد و ناهید، دوباره در آزر به‌چاپ رسیده است. (صفحات ۹۲ و بعد، صفحات ۷۴ و ۸۹ کتاب حاضر) اما نویسنده از دو مقالهٔ دیگر «فرخی در زندان» و «سوگواری دکتر ارانی» هم صحبت می‌کند که اولی ظاهراً همانی است که در آغاز کتاب دیده می‌شود اما از درمی‌نشانی در کتاب نیست. باشد نا ناشر، چاپ دوم کتاب را با حوصله و دقت بیشتر به‌انجام رساند و نه تنها از تاریخ نخستین چاپ این خاطرات خواننده را مطلع کند بلکه با افزودن قسمت یا قسمت‌های دیگر به این یادداشت‌ها صورت کامل‌تری بدهد. پیشه‌وری در نظر داشته است که شرح کامل‌تری از ایام زندان خود تدوین کند و حتی به‌خواننده وعده می‌دهد که برای اطلاع کامل از چگونگی احوال زندان و زندانیان دو انتظار «یادبودهای پازده ساله» او باشد (ص ۱۳۹). اما از فرار معلوم «یادبودها»... هرگز نوشته نشده است و بنابراین تجربهٔ زندان او تنها در همین «یادداشت‌ها» منعکس است. نویسنده این یادداشت‌ها را «يك تألیف نمی‌داند. یادداشت مرتب هم نیست. سرگذشت هم نمی‌توانم بگویم. به‌طور ساده شمعش از مشاهداتی است که با عجله روی کاغذ آورده به‌نظر خوانندگان تقدیم نمودم. از حیث انشاء و املا و بروراندن

مطلب هم اعتراف می‌کنم که نواقص زیاد دارد. ولی خواننده هم نباید فراموش کند هزینه باشد محصول دفاع خسته و فرسوده یک زندانی دهساله و مطالعه می‌کند» (ص ۸ و ۹).
در این یادداشت‌ها، نویسنده از زندان‌روندان ایرانی و زندانبانان صحبت می‌کند و این صحبت چنان لحن مؤثری به‌خود می‌گیرد که خواننده همچنان زده می‌خواهد به‌یک نفس کتاب را به‌پایان برساند.
«من که کتاب و مقاله نمی‌خواهم بنویسم. یادداشت است. هرچه در هر موقع به‌یادم می‌آید می‌نویسم. اگر بنویسم ممکن است فراموش بشود. البته منظور تصویر درون زندان است»

پیش‌روی ابدأ از خودش حرف نمی‌زند. از آنچه در زندان می‌گذرد صحبت می‌کند. سلیقه‌اش نیست که اسامی زندانبان سیاسی و مبارزین تشکیلات ملی را ذکر کند؛ «اصولاً اسم مردم زنده را که مرور زمان از میدان سیاست بدر کرده است نباید بر سر زبان‌ها انداخت و انگهی این اشخاص هنوز هم آخرین حرف خود را زده و معلوم نیست امروز چکار می‌کنند و فردا چه سیاسی‌اش پیش خواهند گرفت. ولی اسامی آن‌هایی که امروز در حال حیات نیستند با در سیاست روز دغالی ندانند به‌عقیده من بی‌انصافی است که با سکوت بگذرد».

استثناء بر این قاعده، شرح احوال آن گروه از گردانندگان دستگاه رضاخان است که به‌زندان می‌افتند: مشیرهایون شهردار (رئیس اداره سیاسی) که به‌انعام «نبرد از مافوق» گرفتار شده بود و در زندان پادشاه آمده بود که «به‌دبختی ایران در این است که هر کس را به‌کار خود نمی‌گمارند. من اولین بیاتوزن ایران. حفص بود عده‌ای از جوانان یا ذوق را زبردستم می‌گذاشتند تا تربیت‌شان می‌کردم. می‌گویند بیا شهربانی و آن وقت هم رئیس اداره سیاسی باش و همچنین آقای مختاری حقیق بود مدرسه موسیقی را اداره کند تا به‌معارفت شهربانی منصوب کرده (ص ۴۶). تبعور تاش، وزیردیار که از همان روز اول زیون، بیچاره و حقیر شده بود. «از صدای چغند می‌ترسید. می‌گفت این چغند بالآخره سر مرا خواهد خورد... روی صدفلی خود نشسته دائماً گریه می‌کرد...» علی‌مردان خان بختیاری، یکی از مظاهر رشادت زندانبان که «سال اول توقیفش خواسته بودند جعبه اصلاحش را بازرسی کنند. از آن روز تا هشت سال که در زندان بود از جعبه نامبرده استفاده ننموده حورنش را اصلاح نکرده و بعد هم صحنه نکان دهنده اعدام او و همراهانش» می‌گفتند بعد از تیر خوردن کلاه پهلوی خود را مجاله کرده دورانداخته بوده. قائم مقام رشتی، دبیر اعظم و دشتی، امیرلشکر جهانیانی که می‌گفتند شاه از او پرسیده است نیروی نظامی ایران در مقابل یکی از دول بزرگ چقدر می‌تواند ایستادگی کند؟ جوابه داده است به‌محض اینکه آن‌ها اراده حمله بکنند تشون ایران از بین خواهد رفت. و امیرلشکر شبانی، و چند تن دیگر.

و بعدهم، زندانبان عادی و مثلاً امیرقناتل که «هیچ خیال نمی‌کرد اعدامش کنند». در زندان یا قندی که از اداره زندان به‌طور استثناء می‌گرفت سکنجبین دوست می‌کرد و می‌فروخت و پنجاه و شصت تومانی پول بهم زده بود. «چند نفر از زندانبان ابدرا نزد او

گذاشته بودند که از جنایت‌هایی که ممکن بود مرتکب شود جلوگیری کرده باشند. این‌ها از طمع و دزدی اصغر استفاده کرده بول‌هایش را با ترمایی یلدیرمال دو هفته از او قرض می‌کردند و می‌دانستند که امروز و فردا کارش تمام خواهد شد.» (ص ۵۶).

و بالأخره گروه‌ها و دسته‌های سیاسی سرهنگ فولادی و یارانش که نقشه کودتا و قتل رضاخان را داشتند، «سرهنگ نصرالله‌خان درباره ارتش می‌گفت تمام این دستگاه برای رژه ساخته شده است. عملیات و تعلیمات نظامی همه از روی ظاهرسازی و غلط است. افسران ناشی، از فنون جنگ فقط باکویدن را که شیر از ورم فتح اثر دیگر ندارد یاد گرفته و به‌کار می‌برند. می‌گفت شاه حتی از افسرانی که فدشان بلندتر از قد خودش باشد خوشش نمی‌آید. از کس دیگر شنیدم که خرد سرهنگ کلهر را فقط برای بلندی قدش منقاعد کرده بودند» (ص ۹۶). ولی معلوم نبود چه می‌خواستند، فرخی و سالارظفر سنجابی و سزب ملیون، یوسف ارمتی و یارانش، درباره هر کدام از اینها «یادداشت‌ها» اطلاعات دست اول و جانب فراوانی به‌دست می‌دهد. دوران آن پدر هم مانند دوران پسرش، دوران مقاومت مداوم آزادیخواهان و ترقی‌طلبان است. زندان و شکنجه و مرگ هم همه جا مترصد احوال مخالفان است و یا همه این‌ها صدای مخالف هرگز خاموش نمی‌شود.

زندانیان برای درهم شکستن زندانی ساخته شده است که در آن پدسخنی زندانی و زندانیان درهم آمیخته‌اند به‌نحوی که تشخیص این از آن میسر نمی‌شود. زندانیان بسیاری زندانیان خیرجینی می‌گند و زندانیان برای زندان عزق و تریاک می‌آورد و حتی در باغ زندان که جای امن و خلوتی بود «ملقات» می‌دهد (ص ۱۲۳). خیرجین‌ها در زندان هم پدر می‌شدند!

اما در این لجنزار هم مقاومت و پایداری همچنان ادامه می‌یابد. ترک غذا (اعتصاب غذا) سلاح مبارزه می‌شود و همدلی و همگامی سنگ بنای ایام مجلس می‌گردد و از زندانی سیاسی، آفریننده جماعه مقاومت جامعه‌ای را می‌سازد. نویسنده در جانی می‌نویسد «مگر سراسر ایران غیر از زندان چیز دیگری بود؟ در کدام يك از امور اجتماعي آزادي داشتيد؟ سال پيش هم يكي از زندانيان سياسي كه به‌تازگي آزادي خود را بازيافته بود در يك مصاحبه مطبوعاتي خطاب به‌حاضران گفت: ما در آن‌جا در زندان نبوديم. شما در زندان بوديد. در زندانی به‌گسترده‌گی سراسر ایران، ما در سلول خود آزاد بوديم».

«یادداشت‌های زندان» خواندنی است و همواره در ادبیات زندانیان سیاسی، مقام معنبری خواهد داشت و به‌عنوان يك سند انساني و نكته دهنده اعماق واقعت ایران دوران پهلوی را بی‌پیرایه و هراس‌انگیز آشکار می‌کند. باشد تا ناشر محترم در چاپ بعدی کتاب، نقابص کتونی را برطرف کند و لااقل فهرستی برای مطالب کتاب به‌چاپ رساند. نشر کسب و تجارت هست اما «فقط» کسب و تجارت نیست.

